

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سید موسی عثمان هستی

۱۴ دسمبر ۲۰۱۱

مرا ای دوستان وادارنکنید

برراست گفتن وستیزه

آب از سر پریده

چه یک نیزه

چه صد نیزه

قابل توجه استاد "موسوی" دوست بنده عصیانگر

من با وجودی که مریض هستم و کمتر می نویسم با آنهم به خاطر رفع خستگی سری به سایت ها می زنم. من انسان آزاده هستم و ایمان دارم که آزاده روزی زود می میرم و هیچ نوع پالیسی را نمی پذیرم زمانی که حرف از پالیسی به میان آید انسان آزادی ندارد پیچیده در کفن پالیسی می شود به خاطر همین پالیسی که نوشته های من در سایت ها نشر نمی شود:

۱ – آقای موسوی من نوشته شما را خواندم که سازمان "نماد" یا حزب "نماد" را در ردیف سازا و در جمله ۱۵۲ حزاب خاین زمان حزب وطن داکتر نجیب الله قراردادید در حالی که شما از جمله سر قافله های ساما می باشید و می دانید هفت نفری که از رهبری نماد با داکتر نجیب دیدند قبلاً سامائی بودند. همان روز سامائی بودند. امروز هم سامائی هستند و یقین دارم هرگاه هزاران دروازه را دق الباب کنند باز هم خود را سامائی می دانند.

۲ – شما آقای موسوی در قسمت ساما در زیرچنین می نویسید:

«ساما یک نهاد مارکسیستی- لنینیستی – پیرو اندیشه مائو تسه دون بود که روشن ترین خط کشی را با تروریزم داشته و کمترین مناسبتی هم با آن نداشت. ساما به مثابه یک سازمان سیاسی- نظامی به موازات گسترده گی جنبش آزادیخواهانه مردم در تمام افغانستان اعم از شهر و روستا، فعال بوده مجموع و تمام فعالیت های نظامی و سیاسی آن در خدمت ستراتیژی سازمان که چیزی به غیر از "جنگ توه ئی طولانی" و "محاصره شهر ها از طریق دهات" نبود، قرار داشت.»

مگر من شماره دوم سال سی و دوم عقرب سال ۱۳۹۰ دوره پنجم سپتمبر سال ۲۰۱۱ ندای آزادی ناشر اندیشه های ملی و دموکراتیک ساما رابه دست آورده ام؛ در آنجا ساما نه تنها یک سازمان مارکسیستی نبوده که سازمان اسلامی بوده و در بالای نشرات شان «بسم الله الرحمن الرحيم» به شکل مهر مانند دیده می شود.

ملت افغانستان حرف شمارا باور کند یا حرف رهبران ساما و اورگان نشراتی ساما را!

ملت افغانستان سالها است که راست و دروغ سازمانها و احزاب و تنظیم هارا نمی داند.

زمانی که حزب سوسیال دموکرات روس به بلشویک و منشویک تقسیم شد بخاطر روشن شدن ذهنیت ملت خود هزاران کتاب و مقاله نوشتند احزاب افغانستان چپ و راست آن، هزاران پارچه شدند یک حرف به خاطر روشن شدن ذهنیت ملت خود بیرون ندادند.

امروز ملت افغانستان می داند که ساما اگر نگوئیم هزاران پارچه، در چهار پارچه آن شکی وجود ندارد:

الف: ادمه دهندگان

ب: میراث خوران به نام ساما

پ: نماد

ث: تازه اندیش ها

شب نامه نویس شاگرد شما هم دیروز سامائی بود و است و هم تازه اندیش می باشد و هم به گفته شما مدافع یک عضو "ک. ج. ب" می باشد. سامائی ها در عوض آن که سر پاکستان نوشته کنند، ذهنیت ملت افغانستان را در قسمت خود و سازمان و رهبری خود روشن سازند و از حرفهای آب جاری کردن زیرپلال شالی خود داری کنند، چرا از خابنین می ترسند و نام خابنین را نمی گیرند.

در لباس نماد، سامائی اصیل، به نام ادمه دهندگان و تازه اندیش حرفهای گنگ و طنزآمیز مانند استاد خالق داد برون می دهند در حالی که حرفهای استاد من محترم خالق داد روشنتر و باشهامت تر از حرفهای سامائی ها می باشند. تا جایی که من می دانم شما دیدید دو نفر از سامائی های شناخته شده به نام سیاه سنگ و شکرالله شیون بایک نفر عضو برجسته سازا به نام ظهورالله ظهوری و با یک نفر از کدرهای حزب دموکراتیک خلق به نام ربانی بغلانی و چند اخوانی شناخته شده در یک مجلس گردن به گردن شدند و یکدیگر را در آغوش کشیدند. چرا سامائی ها با یک تیر قلم چند پاخته سیاست را می زنند از شرافت و وجدان باید کار گرفت؛ عوض شف شف باید شفتالو گفت.

اینها یک حرف هم بیرون ندادند و اگر داده اند خابنین و تسلیمی های ساما را با رهبری "نماد" که هم به میخ می زند هم به نعل معرفی نکردند.

ملت افغانستان بعد از قیوم خان رهبر روان شاد کس نمی داند که رهبر ساما چه کسی است زینی که گنجایش یک نفر ندارد هر سامائی ادعای مالکیت ان را می نماید.

امید است که این رهبران در هر گوشه و کناری که هستند حد اقل روشن سازند که ساما در قبل یک سازمان مارکسیستی بود یا یک سازمان اسلامی و امروز یک سازمان مارکسیستی است یا سازمان اسلامی.

من این را به خاطری نوشتم که چندین نفر به من گفتند چرا آقای موسوی هم گنگ نوشته می کند حرف از نماد می زند و نام از رهبران نماد نمی برد حرف از سازا می زند و از رسول رهین و باقی سمندر نام نمی برد و چه وقت سر این کلوله سردوز افسانه سرمنگسک باز می شود